

فرهنگ ادبیات فارسی

مُعاصر

مُحمّد شریفی
ویراستار: مُحمّد رضا جعفری



رمان نویسان و خلاصهٔ رمانهای شاخص
داستان نویسان و خلاصهٔ برخی از داستانهای کوتاه
نمایشنامه نویسان و خلاصهٔ نمایشنامه‌های مطرح
شاعران و معرفی دفترهای شعر شاخص
معرفی برخی از منتقدان ادبی
اصطلاحات و آرایه‌های ادبی با نمونه‌های معاصر

محمد شریفی

فرهنگ ادبیّات فارسی معاصر

ویراستار

محمد رضا جعفری

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران، ۱۳۹۵

فرهنگ ادبیات فارسی معاصر

فرهنگ نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم (شهید جنتی)،
 پلاک ۱۳ — تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱
 نوبت چاپ اول، ۱۳۹۵
 شمارگان ۱۱۰۰ نسخه
 طراح جلد پارسوا باشی
 لیتوگرافی باختر
 چاپ غزال
 ناظر چاپ بهمن سراج
 همه حقوق برای فرهنگ نشر نو محفوظ است

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه عنوان و نام پدیدآور
 ویراستار محمدرضا جعفری
 تهران: فرهنگ نشر نو، آسیم، ۱۳۹۵
 پانزده، ۸۷۹ ص.
 ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۳۹-۹۹-۹
 فیبا وضعیت فهرست نویسی
 یادداشت یادداشت
 عنوان دیگر عنوان دیگر
 موضوع موضوع
 موضوع موضوع
 شناسه افزوده شناسه افزوده
 رده بندی کنگره رده بندی کنگره
 رده بندی دیویی رده بندی دیویی
 کتابشناسی ملی کتابشناسی ملی
 مرکز بخش آسیم
 تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۴
 بها ۷۰۰۰۰۰ ریال

تهران، صندوق پستی ۱۸۳۸-۱۳۱۴۵ تماس با مؤلف
 nicomachus40@yahoo.com

پیشکش به

«عاصیان»

روندگانِ راهِ کمِ رهرو

جز عشقی جنون آسا

هر چیزِ این جهانِ شما جنونِ آساست

شاملو

ادای دین و امتنان

دوست بسیار عزیزم، محمدرضا جعفری، نه فقط ویراستار این فرهنگ بلکه استاد و راهنمای من بود و به واقع «دستم بگرفت و پایه پا برد». او بود که پیشنهاد تألیف این فرهنگ را مطرح کرد و با سعه صدر خاص خود، مرا جرأت داد تا کاری اینچنین را آغاز کنم و در طول سالیانی که مشغول کار بودم، بی دریغ، مرا از راهنماییهای ارزنده اش بهره مند ساخت و سرانجام نیز با حوصله تمام، کار را از بیخ و بن سامانی دیگر داد و طی چهار بار بازخوانی، متن آن را از بسیاری نقایص پیراست و نثر آن را آراست. یکسر مدیون او هستم.

در مراحل پایانی کار از یاری جمعی از نیکنامان ادبی نیز سود جست‌ام. از هیچ یک از ایشان نامی نمی‌برم تا نقایص و معایب کارم را با نیکنامی ایشان نیامیخته باشم. از یکایک ایشان صمیمانه سپاسگزارم.

دوست فرهیخته ام لیلا حکیم الهی از سر لطف، زحمت تلخیص سه منظومه از شاعران معاصر و سه رمان را بر عهده گرفت و مرا رهین مهربانی خود ساخت. از دوست عزیزم دکتر امید کاشانی راد سپاس دارم که بر من منت گذاشت و حاصل سالها تدقیق در اشعار شاملو و اخوان ثالث را در کف مهر نهاد و مرا در شناخت بیشتر این دو شاعر بزرگ یاری داد و همچنین نمونه های آرایه های ادبی در شعر ایشان را با دقت و صرف وقت فراوان یافت و در اختیارم گذاشت.

مقاله ادبیات کودکان و نوجوانان تماماً مدیون لطف صوفیا محمودی است که اطلاعات گردآورده خود برای کتاب ادبستان (فرهنگ ادبیات کودکان و نوجوانان) را پیش از چاپ در اختیارم گذاشت و بار عظیم جستجویی طاقت فرسا را از دوشم برداشت.

داریوش کیارس در زمینه گرایشهای مختلف شعر نو راهنمایی ام کرد و اطلاعاتی را از سر مهر در اختیارم گذاشت.

مقاله ادبیات مهاجرت بدون لطف بی حد و راهنماییهای بی شائبه ملیحه تیره گل شکل نمی گرفت. همچنین یادی از دوست نادیده ام زنده یاد داریوش کارگر می کنم که اسباب آشنایی با خانم تیره گل را فراهم آورد و در موارد دیگر نیز بارها مرا مرهون الطاف خود کرد. مجید روشنگر نیز لطف کرده مطالبی در این زمینه در اختیارم گذاشت. مقاله ادبیات آهنگین فارسی را سید علی رضا میرعلی نقی به سفارش ناشر برای این فرهنگ نگاشتند که با تلخیص و اندکی تغییر ذیل مدخلی به همین عنوان آمده است.

فرزانه سیانپور و زهره گلبخش فیشهای دستنویس بخشهای اولیه کار را با حوصله و دقت تایپ کردند و همچنین همکاران عزیزم در دفتر فرهنگ نشر نو، سودابه دیباج و سید امیر رضا منظورالاجداد در حروفچینی و اعمال اصلاحات و صفحه بندی یاری ام دادند.

محسن صلاحی آخرین بازبینی را بر عهده گرفت و با اصلاح برخی سهوهای تایپی و بعضی پیشنهادات در پاکیزگی کار کوشید.

طرح جلد حاصل ذوق سلیم دوست عزیزم یارسوا باشی است.
از همه ایشان سپاسگزارم.

ما قصه‌ها را گرد آوردیم

و همت و معرفت ما از این بیشتر میدانی نداشت

مقدمه

این فرهنگ، راهنمای ساده‌ای است برای رفع نیاز آنی علاقه‌مندان ادبیات معاصر فارسی. سعی بر آن بوده است که مجموعه‌ای از اطلاعات لازم برای خوانندگان حرفه‌ای یا نیمه حرفه‌ای به صورتی مدوّن فراهم آید تا حتی‌الامکان پاسخگوی پرسشهایی باشد که برای ایشان مطرح می‌شود، و راه را برای ادامه مطالعه‌شان هموار سازد. هم از این رو بنای آن بر اختصار است.

مهم‌ترین ویژگی این فرهنگ گردآمدن اطلاعات گوناگون ادبی در کنار یکدیگر است — از شرح احوال شاعران و نویسندگان تا خلاصه رمانها و نمایشنامه‌ها و برخی از داستانهای کوتاه، و همچنین اصطلاحات و آرایه‌ها و برخی اشارات ادبی.

در این فرهنگ بنیاد کار بر ادبیات خلاقه و بویژه ادبیات داستانی است و از حیث دایره شمول، دربرگیرنده ادبیات نوین ایران از حدود انقلاب مشروطه تا امروز است. باید توجه داشت که حجم مقالات بیانگر میزان ارزش و اهمیت موضوع نیست بلکه در مورد پدیدآورندگان به عوامل مختلف چون منابع بازمانده و اطلاعات در دسترس، و در مورد داستانها، به ساختار و کثرت یا قلت حوادث بستگی دارد؛ از اینجاست که گاه یک داستان کوتاه فضایی بیش از یک رمان اشغال کرده است.

تقریباً نود درصد رمانها و نمایشنامه‌ها و داستانهای کوتاه یعنی چیزی در حدود ۱۸۰۰۰ صفحه را شخصاً خوانده و تلخیص کرده و اطلاعات لازم را از آنها استخراج نموده و در مورد حدود ده درصد باقیمانده حتی‌الامکان از منابع موثق استفاده کرده‌ام. علاوه بر مراجعات موردی، خواننده علاقه‌مند می‌تواند این کتاب را از ابتدا تا انتها

بخواند و پس از مطالعه خلاصه و محتوای آثار مشهور ادبی که ضیق وقت و دیگر گرفتاریها مجال مطالعه آنها را نمی‌دهد — اگر آن خلاصه را موافق سلیقه خود یافت — به سراغ متن اصلی برود.

ناگفته عیان است که گام اوّل در کارهایی اینچنین، خاصّه آنگاه که یک‌تنه برداشته شود، خالی از نقص نیست و هرگز نمی‌توان نقطه پایان و کمال برای آن قائل شد. از زمانی که کار این فرهنگ را آغاز کرده‌ام به جرأت می‌توانم بگویم کمتر روزی بوده است که علاوه بر تنظیم مقالات جدید، در مطالب پیشین دستی نبرده باشم — و هم اکنون نیز که این فرهنگ پیش روی شماست، کار اضافه و حکّ و اصلاح ادامه دارد. بنا بر این از خوانندگان و مراجعان بصیر صمیمانه تمنا دارم که خود را در این اثر سهیم بدانند و با یادآوری نقایص و اشکالات، مرا در رفع آنها یاری کنند.

محمد شریفی

تیر ۱۳۹۵

راهنمای استفاده از فرهنگ

برای سهولت استفاده از این فرهنگ، ذیلاً توضیحاتی در باره روش تألیف آمده است تا جوینده بداند که در آن چه چیزها را خواهد یافت و چه چیزها را به چه دلیل نخواهد یافت.

در مورد اشخاص:

شاعران و داستان‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان و طنزپردازان و پژوهشگران فرهنگ عامه و همچنین معدودی از منتقدان که اثر مهمی در نقد ادبی داشته‌اند، با ذکر فهرست آثارشان معرفی شده‌اند.

برای انتخاب آنان علاوه بر معیارهایی چون سطح کیفی آثار به قضاوت پژوهشگران و منتقدان و داوران جوایز ادبی، و نیز شهرت و محبوبیت نزد کتابخوانان حرفه‌ای، ناگزیر باید معیار کلی‌تری نیز وضع می‌گردید. در ابتدا شمار آثار چاپ شده ایشان مد نظر بود اما عاقبت شرط سنی نیز معیار قرار گرفت؛ به این ترتیب که در همه عرصه‌ها (بجز ادبیات مهاجرت) به معرفی کسانی پرداخته شده است که پیش از ۱۳۴۰ شمسی متولد شده‌اند و در حال حاضر شهرت و مقام آنها تثبیت گردیده است. البته با این معیار نیز جمعی از نویسندگان با استعداد و توانا حذف شدند اما چاره‌ای جز این نبود.

• از شاعران معاصر به سرایندگان شعر سنتی اشاره نشده است مگر در مورد محمد تقی بهار، پروین اعتصامی، شهریار، ایرج میرزا، عارف قزوینی، میرزاده عشقی، فرخی یزدی و احياناً چند تن دیگر از این دست.

• از نویسندگان نسل اول داستان‌نویسی در ایران تقریباً تمام آثار ایشان تلخیص شده است و از نسل دوم نیز عده‌ای با تمام آثار حضور دارند اما از برخی تنها یکی دو

رمان تلخیص شده است. از آثار نویسندگان نسل سوم به بعد نیز نمونه‌های منتخب آمده است.

• از میان نمایشنامه‌نویسان بیشتر به کسانی توجه شده است که جنبه ادبی کارشان بر جنبه نمایشی غلبه دارد؛ بنا بر این، آنان که آثار نمایشی فراوانی پدید آورده‌اند که با وجود اجرا به هیأت کتاب درنیامده است در ویراست حاضر حضور ندارند.

• برخی از نویسندگان و شاعران حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان ذیل مقاله ادبیات کودکان و نوجوانان و برخی از مشهورترین نویسندگان عامه‌پسند ذیل ادبیات عامه‌پسند، و همچنین برخی از ترانه‌سرایان بنام، ذیل مقاله ادبیات آهنگین فارسی معرفی شده‌اند.

• شماری از مطرح‌ترین نویسندگان و شاعران ایرانی مقیم خارج از کشور، علاوه بر کسانی که کار ادبی خود را در ایران آغاز نموده و سپس مهاجرت کرده‌اند، ذیل مقاله ادبیات مهاجرت معرفی شده‌اند.

• شماری از پیشگامان تجدّد ادبی نظیر میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی و میرزا حبیب اصفهانی، با وجود آنکه به اعتبار دوره زندگی در حوزه شمول این فرهنگ نمی‌گنجند، به اعتبار پیشگامی و اهمیت‌شان در شکل‌گیری ادبیات معاصر ایران معرفی شده‌اند.

در مورد آثار معاصر:

• خلاصه تمام رمانهای مطرح در ادبیات فارسی با شرحی که عموماً دربرگیرنده اطلاعاتی چون نوع، حجم تقریبی، زمان و مکان وقوع، و پیرنگ داستان است در این فرهنگ آمده است.

در بانک اطلاعاتی مبنای که برای تألیف این فرهنگ طراحی و تکمیل شده است، اغلب رمانها دارای فهرستی از شخصیت‌های اصلی است که مناسبات و نقش ویژه آنها در پیشبرد داستان، و بالاخره سرنوشتشان را در برمی‌گیرد؛ اما از آنجا که در ویرایش حاضر بنا بر اختصار است، ارائه این بخش از اطلاعات به مجالی دیگر و ویرایشی مفصل‌تر موکول گردید.

• در مورد مجموعه داستانهای به هم پیوسته و نمایشنامه‌ها نیز مانند رمانها عمل شده است.

• مجموعه داستانهای مشهور یا برندهٔ جایزه هر یک در مدخلی جداگانه آمده و بر حسب شهرت و اهمیت به یکی از این سه صورت معرفی شده است: یا تنها نام نویسنده و شمار داستانها و سال انتشار و جایزهٔ تعلق یافته بدان ذکر شده؛ یا در برخی موارد خلاصهٔ یکی دو داستان برگزیده از آن مجموعه نیز آمده است تا حال و هوای کلی مجموعه نشان داده شود؛ و یا علاوه بر اطلاعات کلی، فهرست داستانها نیز که هر کدام در مقاله‌ای جداگانه معرفی شده‌اند با حروف سیاه آمده است. از آن میان،

تقریباً همهٔ داستانهای کوتاه و نمایشنامه‌های چند نویسنده به شرح زیر تلخیص شده و هر یک در مقاله‌ای جداگانه آمده است:

سید محمد علی جمالزاده، به خاطر فضل تقدّم؛

صادق هدایت و جلال آل احمد، به خاطر شهرت فراوان (از جنبه‌های مختلف)؛
صادق چوبک و ابراهیم گلستان و غلامحسین ساعدی و بهرام صادقی و هوشنگ گلشیری به خاطر تکنیک قوی و نیز به دلیل اینکه بیشتر آثارشان در قالب داستان کوتاه بوده است.

• در مورد برخی از نویسندگان مانند مهشید امیرشاهی و رسول پرویزی نیز مجموعه داستان آنها معرفی شده و فقط یک یا دو داستان کوتاه از آن مجموعه که معمولاً اقبال یافته‌ترین آنهاست خلاصه شده است.

• دفترهای شعر مشهور و تأثیرگذار در مقاله‌های مستقل معرفی شده است.

• کتابهایی که در خارج از ایران چاپ شده است در فهرست آثار نویسنده آمده ولی مقالهٔ جداگانه‌ای به آنها اختصاص نیافته است مگر آنکه بعداً در ایران چاپ شده باشند.

• در مورد رمانها و مجموعه داستانهایی که برندهٔ یکی از جوایز ادبی بوده‌اند اما نویسندهٔ آنها واجد شرط سنی نبوده است، استثنائاً فقط خود کتاب به صورت مدخل مستقل آمده است.

سایر توضیحات:

• در مقالهٔ مربوط به هر پدیدآورنده، تقریباً همه جا ابتدا اطلاعاتی راجع به شرح حال او آمده و سپس به ارزیابی مختصری از کارهای او پرداخته شده و در پایان آثار ادبی وی معرفی گردیده است و نام هر یک از آن آثار که خود موضوع مقاله‌ای جداگانه

بوده با حروف ایتالیک سیاه و در غیر این صورت با حروف زر ایرانیک مشخص شده است. از سبک کار و مضمون آثار نویسندگانی که کتابهایشان موضوع مدخلی مستقل است کمتر صحبت شده است تا از تکرار اجتناب شود اما در مورد کسانی که آثارشان مقاله‌ای مستقل ندارد توضیحات مشروح تر آمده است — مانند محمد کلباسی.

• در مورد نامهای مستعار یا مشهوری که نام واقعی شخص موضوع مقاله نیست — مثل احمد محمود یا نوذر پرتک — تقدّم نام خانوادگی بر نام رعایت نشده و در ردیفِ حرفِ اوّل نام آمده است.

• در مورد کسانی که اثر آنها مشهورتر از خودشان است، ذیل معرّفی اثر، مختصری نیز در شرح احوال ایشان آمده است؛ مانند اسماعیل در نیویورک از حسین مدنی یا بامداد خمّار از فتّانه حاج سید جواد.

• تاریخ انتشار برخی از کتابهای معاصر در منابع گوناگون گاه یک سال یا بیشتر با یکدیگر اختلاف دارد که ناشی از اختلاف تاریخ نشر در شناسنامه کتاب با تاریخ ثبت شده در کتابشناسیها است. در این فرهنگ، هر جا مقدور بوده، تاریخ مندرج در شناسنامه کتاب اصل تلقّی گردیده و در صورت عدم دسترسی، تاریخ انتشار به استناد کتابشناسیها و سایر منابع ذکر شده است.

• در باره اغلب آثار، حجم تقریبی (بر مبنای شمار کلمات) ذکر گردیده است تا خواننده بتواند تصوّر کلی از حجم آن و مقایسه با اثر یا آثار دیگر داشته باشد.

• در هر مقاله هر جا نام شخص یا کتاب یا اصطلاحی آمده است که خود موضوع مقاله‌ای جداگانه است و رجوع بدان خالی از فایده نخواهد بود با تغییر حروف مشخص شده است؛ مانند نیما یوشیج؛ بوف کور؛ رآیسم جادویی.

• مبنای حرکت‌گذاری کلمات چه در مدخلها و چه در متن، حصول اطمینان از درست‌خوانی بوده است و هر جا شائبه اشتباه در میان نبوده و احتمال غلط‌خوانی وجود نداشته از حرکت‌گذاری پرهیز شده است.

• در هر مقاله، جز در موارد لازم، از ذکر نوع تقویم (قمری / شمسی / میلادی) خودداری شده و عدم ذکر قید به معنی شمسی است.

• جز در موارد ذکر شده، محل چاپ یا انتشار تمام کتابها تهران است.

فهرست منابع

نام و مشخصات بیش از هزار عنوان کتابی که خود موضوع مقاله‌ای مستقل در این کتاب است در فهرست زیر نیامده است.

منابع اصلی

- آرین پور، یحیی: از صبا تا نیما، جلد اول و دوم، چاپ چهارم، زوار، ۱۳۷۲
_____ : از نیما تا روزگار ما، چاپ اول، زوار، ۱۳۷۴
اتحاد، هوشنگ: پژوهشگران معاصر ایران، فرهنگ معاصر، از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵، ده جلد
_____ : نادره کاران (سوکنامه ناموران فرهنگی و ادبی)، به‌کوشش محمود نیکویه، چاپ اول، قطره، ۱۳۸۳
امجد، حمید: تیاتر قرن سیزدهم، چاپ اول، نیلا، ۱۳۷۸
باباجاهی، علی: سه دهه شاعران حرفه‌ای، چاپ اول، ویستار، ۱۳۸۱
براهنی، رضا: طلا در مس، چاپ اول (ویرایش جدید)، نویسنده، ۱۳۷۱
_____ : قصه‌نویسی، چاپ سوم، نشر نو، ۱۳۶۲
برزین، مسعود: شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی، چاپ اول؟، بهجت، ۱۳۷۱
برقمی، سید محمد باقر: سخنوران نامی معاصر ایران، چاپ اول، خرم، قم، ۱۳۷۳، شش جلد
بنی آدم، حسین: کتابشناسی موضوعی ایران (سالهای ۱۳۴۸ - ۱۳۴۳)، چاپ اول، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲
بیضائی، بهرام: نمایش در ایران، چاپ اول، بی ناشر، ۱۳۴۴
خلج، منصور: نمایشنامه‌نویسان ایران (از آخوندزاده تا بیضایی)، چاپ اول، اختران، ۱۳۸۱
داد، سیما: فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ اول، مروارید، ۱۳۷۱
سیانلو، محمد علی: نویسندگان پیشرو ایران، چاپ چهارم، نگاه، ۱۳۷۱
سید حسینی، رضا: مکتبهای ادبی، چاپ دهم (چاپ اول تحریر جدید)، نگاه، ۱۳۷۶
شاملو، احمد: قصه‌های کتاب کوچک، چاپ اول، مازیار، ۱۳۷۹
شکبیا، پروین: شعر فارسی از آغاز تا امروز، چاپ اول، هیرمند، ۱۳۷۰
شمس لنگرودی: تاریخ تحلیلی شعر نو، مرکز، ۱۳۷۷، چهار جلد

- شمیسا، سیروس: آشنایی با عروض و قافیه، چاپ نهم، فردوس، ۱۳۷۲
- _____ : انواع ادبی، چاپ دوم، فردوس، ۱۳۷۳
- _____ : بیان و معانی، چاپ اول، فردوس، ۱۳۷۴
- _____ : نگاهی تازه به بدیع، چاپ هفتم، فردوس - دیدگاه، ۱۳۷۴
- صدر، رؤیا: فرهنگ زنان پژوهشگر در علوم انسانی، چاپ اول، برگ زیتون، ۱۳۷۷
- غفوری ساداتیه، مهدی: فرهنگ کتابشناسی شعر شاعران، چاپ اول، نوید، شیراز، ۱۳۸۱، سه جلد
- غلام، محمد: رمان تاریخی (سیر و نقد و تحلیل رمانهای تاریخی فارسی ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲)، چاپ اول، چشمه، ۱۳۸۱
- فرزخدا، پوران: کارنمای زنان کارای ایران از دیروز تا امروز، چاپ اول، قطره، ۱۳۸۱
- فرزانه، م. ف: آشنایی با صادق هدایت، چاپ اول، مرکز، ۱۳۷۲
- مافی، عباس: نامه‌های مستعار، چاپ اول، امیرکبیر، ۱۳۸۱
- مجابی، جواد: شناختنامه ساعدی، چاپ اول، قطره - آتیه، ۱۳۷۸
- _____ : شناختنامه شاملو، چاپ اول، قطره، ۱۳۷۷
- محمّدی، محمد حسین: فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، چاپ دوم، میترا، ۱۳۸۵
- مشار، خان‌بابا: فهرست کتابهای چاپی (از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵) سه جلد، چاپ اول، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲
- ملک‌پور، جمشید: ادبیات نمایشی در ایران، چاپ اول، توس، جلد اول و دوم: ۱۳۶۳، جلد سوم: ۱۳۸۶
- مولوی، فرشته: کتابشناسی داستان کوتاه (ایران و جهان)، چاپ اول، نیلوفر، ۱۳۷۱
- میرصادقی، جمال: ادبیات داستانی، چاپ سوم، سخن، ۱۳۷۶
- _____ : عناصر داستان، چاپ سوم، سخن، ۱۳۷۶
- _____ : واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، چاپ اول، مهنار، ۱۳۷۷
- میرصادقی (ذوالقدر)، مینمت: واژه‌نامه هنر شاعری، چاپ اول، مهنار، ۱۳۷۳
- میرعابدینی، حسن: صد سال داستان‌نویسی ایران، چاپ اول، جلد اول، تندر، ۱۳۶۶؛ جلد دوم، تندر، ۱۳۶۸؛ جلد سوم، چشمه، ۱۳۷۷؛ جلد چهارم، چشمه، ۱۳۸۳
- _____ : فرهنگ داستان‌نویسان ایران از آغاز تا امروز، چاپ اول، کاوش، ۱۳۷۴
- همایون کاتوزیان، محمدعلی: صادق هدایت از افسانه تا واقعیت، ترجمه فیروزه مهاجر، چاپ اول، طرح نو، ۱۳۷۲
- یعقوبشاهی، نیاز: عاشقانه‌ها (گزیده سروده‌های شاعران امروز ایران)، چاپ اول، ۱۳۷۳

منابع فرعی

- آزند، یعقوب: نمایشنامه‌نویسی در ایران (از آغاز تا ۱۳۲۰ شمسی)، چاپ اول، نشر نی، ۱۳۷۳
- آقا شیخ محمد، مریم - نوری نشاط، سعید (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران): گلزار مشاهیر (زندگی‌نامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ - ۱۴۷۶)، چاپ اول، برگ زیتون، ۱۳۷۷
- آل احمد، جلال: یک چاه و دو چاله و مثلاً شرح احوالات، چاپ اول، فردوس، ۱۳۷۶
- امجد، حمید: (مقدمه و تصحیح) حکام قدیم، حکام جدید، مؤیدالممالک فکری ارشاد، چاپ اول، نیلا، ۱۳۷۹، مقدمه

- ایدل، لئاوَن: قصهٔ روانشناختی نو. ترجمهٔ ناهید سرمد، چاپ اول، شباویر، ۱۳۶۷
- ایرانی، ناصر: هنرِ رمان، تحریر دوم، چاپ اول، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۳
- بالائی، کریستف: پیدایش رمان فارسی، ترجمهٔ مهوش قومی و نسرين خطاط، چاپ اول، معین - انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۷۷
- بالائی، کریستف - کوبی پرس، میشل: سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، ترجمهٔ احمد کریمی حکاک، چاپ اول، معین - انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۷۸
- بیضانی، بهرام: ریشه‌یابی درخت کهن، چاپ اول، روشنگران، ۱۳۸۳
- پارسی‌نژاد، ایرج: روشنگران ایرانی و نقد ادبی، چاپ اول، سخن، ۱۳۸۰
- پاشائی، ع: (ویراستار) فرهنگ اندیشهٔ نو، چاپ اول، مازیار، ۱۳۶۹، (معدودی واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با ادبیات)
- پاکباز، روین: دایرة المعارف هنر، چاپ اول، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸، (معدودی واژه‌ها و مفاهیم مرتبط با ادبیات)
- تقی‌پور، مصومه: (گردآورنده) نمایشنامه‌های تک‌پردهٔ سید علی خان نصر، چاپ اول، روزبهان، ۱۳۸۲
- _____: (گردآورنده) نمایشنامه‌های تک‌پرده - معزالدیوان فکری، چاپ اول، روزبهان، ۱۳۸۱
- تندرو صالح، شاهرخ: (پژوهش و تدوین) از غربتی به غربت دیگر، چاپ اول، مرمر، ۱۳۷۹
- تیره‌گل، ملیحه: مقدمه‌ای بر ادبیات فارسی در تبعید ۱۳۵۷ - ۱۳۷۵، چاپ دوم، U Touch Publications، ۲۰۰۰ میلادی، آستین - تکزاس
- جعفری، عبدالرضا: (گردآورنده) فروغ جاودانه، چاپ اول، تنویر، ۱۳۷۸
- جمشیدی، اسماعیل: گوهرمراد و مرگ خودخواسته، چاپ اول، علم، ۱۳۸۱
- حبیب‌آبادی، پرویز: حماسه‌های همیشه، چاپ اول، فرهنگ‌گستر - صریر، ۱۳۸۲
- حجازی، خاطره: (گردآورنده) نیمهٔ پُر، چاپ اول، راهیان اندیشه، ۱۳۷۸
- حسن‌بیگی، ابراهیم: رمانهای جنگ، چاپ اول، مهر تابان، ۱۳۸۵
- حسینی، صالح: بررسی تطبیقی خشم و هیاهو و شازده احتجاب، چاپ اول، نیلوفر، ۱۳۷۲
- حقوقی، محمد: شعر نو از آغاز تا امروز، چاپ اول، روایت، ۱۳۷۱
- _____: مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران، چاپ اول، قطره، ۱۳۷۷، دو جلد
- دانشنامهٔ دانش‌گستر، زیر نظر علی رامین و کامران فانی و محمد علی سادات، چاپ اول، مؤسسهٔ دانش‌گستر روز، ۱۳۸۹، هجده جلد
- دستغیب، عبدالعلی: به سوی داستان‌نویسی بومی، چاپ اول، حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶
- رحمانی، نصرت: آوازی دو فرجام، چاپ اول، علم، ۱۳۷۴
- رضایی، عربعلی: واژگان توصیفی ادبیات (انگلیسی - فارسی)، چاپ اول، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۲
- رضایی، محمد باقر: خلاصه داستانهای کوتاه فارسی از آغاز تا امروز، (جلد اول: محمدعلی جمال‌زاده)، چاپ اول، طرح و اجرای کتاب، ۱۳۷۸
- روستایی، محسن: تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد، چاپ اول، نشر نی، ۱۳۸۵
- رستگار فسایی، منصور: احوال و آثار دکتر پرویز نائل خانلری، چاپ اول، طرح نو، ۱۳۷۹
- رهی معیری: سایهٔ عمر، چاپ ششم، زوار، ۱۳۷۴، مقدمه
- سادات اشکوری، کاظم: نگاهی به نشریات گهگاهی، چاپ اول، تیراژه - علمی، ۱۳۷۴

- ساغروانیان، سید جلیل: فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی، چاپ اول، نما، مشهد، ۱۳۶۹ (در معدود موارد)
- شریعت، رضوان: فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ اول، هیرمند، ۱۳۷۰
- صبور، داریوش: (مقدمه) رهاورد رهی، چاپ اول، زوار، ۱۳۷۵
- صفاریان، ناصر: آیه‌های آه (ناگفته‌هایی از زندگی فروغ فرخزاد)، چاپ دوم، روزنگار، ۱۳۸۲
- صفوی، کورش: از زبان‌شناسی به ادبیات (جلد اول: نظم)، چاپ اول، چشمه، ۱۳۷۳
- طاهباز، سیروس: (گردآوری و تدوین) مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج، چاپ سوم، نگاه، ۱۳۷۳
- طاهر نونکده، محسن: (مقدمه) سهراب سپهری طرح‌ها و اتودها، چاپ اول، نشر نو، ۱۳۶۹، سالشمار زندگی و عصر سهراب سپهری
- عابدی، کامیار: تپش سایه دوست، چاپ اول، مؤلف، ۱۳۷۷
- علی‌پور گسگری، بهناز: معرفی و بررسی آثار داستانی و نمایشی (۱۳۱۰ - ۱۳۰۰)، چاپ اول، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۳
- فرخی، حسین: نمایشنامه‌نویسی در ایران (از آغاز تا ۱۳۷۰)، چاپ اول، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶
- فرزانه، م. ف. بن‌بست (بر اساس نامه‌های مرتضی کیوان)، چاپ اول، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴
- فرهنگ ناموران معاصر ایران، زیر نظر شورای عالی فرهنگ ناموران معاصر ایران، سوره مهر، جلد اول: ۱۳۸۱؛ جلد دوم: ۱۳۸۴ (حرف آ تا نیمه الف)
- فریاد، فریدون - چهلتن، امیر حسن: ما نیز مردمی هستیم (گفتگو با محمود دولت‌آبادی)، چاپ دوم، چشمه و پارس، ۱۳۷۳
- کادن، جی. ای: فرهنگ ادبیات و نقد، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ اول، شادگان، ۱۳۸۰
- کامشاد، حسن: پایه‌گذاران نثر جدید فارسی، چاپ اول، نشر نی، ۱۳۸۴
- کتابشناسی ادبیات داستانی معاصر فارسی (از مشروطه تا سال ۱۳۸۹)، زیر نظر فریده رازی، با همکاری عذرا شجاع کریمی و آزاده گلشنی، چاپ اول، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰ (در معدود موارد)
- گلشیری، هوشنگ: جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور، چاپ اول، نیلوفر، ۱۳۷۶
- گوهرین، کاوه: (پیش‌سخن) پرنده خیس، خسرو گلسرخی، چاپ دوم، کاوش، ۱۳۷۵
- متین، پیمان: (مترجم) ادبیات داستانی در ایران زمین، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، چاپ اول، امیرکبیر، ۱۳۸۲
- محمودی، صوفیا: ادبستان (فرهنگ ادبیات کودکان و نوجوانان)، چاپ اول، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۲
- مرادی کرمانی، هوشنگ: مرثای شیرین، چاپ اول، معین، ۱۳۷۷، معرفی نویسنده
- مشحون، حسن: تاریخ موسیقی ایران، چاپ اول، فاخته، ۱۳۷۳، دو جلد (در معدود موارد)
- مقدادی، بهرام: فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی (از افلاطون تا عصر حاضر)، چاپ اول، فکر روز، ۱۳۷۸
- موحدیان، مریم: نمایشنامه‌نویسان معاصر ایران (دهه چهل)، چاپ اول، نمایش، ۱۳۸۱
- مهری‌زانی، الهام: آینه‌ها، دفتر دوم، چاپ اول، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶
- نقیبی، پرویز: محمد مسعود، گلی که در جهنم روید (شرح حال و اسرار مرگ)، چاپ دوم، ماد، بی‌تاریخ
- نگاهی به زندگی و بخشهای محمد علی جمالزاده، هیأت امنای آثار جمالزاده، ۱۳۸۲
- ولک، رنه: تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، چاپ اول، نیلوفر، جلد اول، ۱۳۷۳
- هدایت، صادق: نوشته‌های پراکنده، چاپ اول، امیرکبیر، ۱۳۴۴
- یونسی، ابراهیم: هنر داستان‌نویسی، چاپ دوم، امیرکبیر، ۱۳۵۱

اهمّ مقالات و نشریات

- آذرنک، عبدالحسین: «علی دشتی»، بخارا، شماره ۲۹ و ۳۰، فروردین - تیر ۱۳۸۲
- آرامش، تورج: «سیروس آتابای»، نگاه نو، شماره ۵۸، مرداد ۱۳۸۲
- آزرم، محمد: «سفر شعر متفاوت»، روزنامه همشهری، شماره ۲۶۹۹، ۳۱ فروردین ۱۳۸۱
- آزند، یعقوب: «پایه پای پاورقی نویسان ایران»، ادبیات داستانی، شماره ۵۲، تابستان ۱۳۷۸
- ابومحبوب، احمد: «شناسه کتاب»، بیدار، شماره ۲۵، بهمن ۱۳۸۲
- اسد سنگابی، کریم: «اعتلای رمان نویسی در ایران»، ادبیات داستانی، شماره ۵۴، بهار ۱۳۸۰
- اصلان پور، سمیرا: «گفتگو با مصطفی مستور» «من یکی از آن آدمها هستم»، ادبیات داستانی، شماره ۶۳، آذر ۱۳۸۱
- افشار، کامیار: کتاب هفته، شماره ۱۳۶، ۱۵ شهریور ۱۳۸۲
- الهی، صدرالدین: «درآمدی بر مقوله پاورقی نویسی در ایران»، مجله ایرانشناسی، سال دهم، شماره های ۲ و ۳ و ۴، سال یازدهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۷ تا بهار ۱۳۷۸، کالیفرنیا
- امیرفریار، فرخ: «در سوگ مسکوب»، جهان کتاب، شماره ۱۹۳، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۴
- اولیائی، رمضانعلی: «زندگینامه قاسم هاشمی نژاد»، فصل فرهنگ (فصلنامه مازندران)، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۲
- بخارا، «سالشمار زندگی و آثار فریدون رهنما»، شماره ۱۱۲، خرداد و تیر ۱۳۹۵
- برجیان، حبیب: «زمین لرزه در پندار و اندیشه ایرانی»، نامه فرهنگستان، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۵
- بهنود، مسعود: کلک، شماره ۷۱ - ۷۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۴
- بی نیاز، فتح الله: «درون کاوی پدرسالاری و پنهان سازی منافع فردی به اسم دین»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۹۳، تیر ۱۳۸۴
- پژمان، عباس: «مهر هفتم»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۰، مرداد ۱۳۸۲
- جعفری، حسین: «در غربت ادبیات معاصر»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۳۲، خرداد ۱۳۷۹
- چترجی، زهره: «در پیچ و تاب یک رمان»، جهان کتاب، شماره ۱۷۷، دی ۱۳۸۲
- چناری، عبدالامیر: «متناقض نمایی در ادبیات فارسی»، کیان، شماره ۲۷، مهر و آبان ۱۳۷۴
- حنیف، محمد: «ده سال رمان و داستان جنگ»، ادبیات داستانی، شماره ۵۱، تابستان و پاییز ۱۳۷۸
- خانلری، ترانه: «مادرم دکتر زهرا کیا (خانلری)»، بخارا، شماره ۹۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۲
- خلج، منصور: «ذبیح بهروز»، صحنه، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۰
- دشتی، سید محمد: «بررسی نخستین رمانهای تاریخی فارسی»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۸، آذر و دی ۱۳۷۷
- رحمانی، محمدحسین: «یادی از بدیل خاقانی در عصر ما، استاد مهرداد اوستا»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸
- رحیم زاده، رحیم: «گفتگو با استاد ابراهیم یونسی»، مترجم، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۹
- رحیمی، مصطفی: «گفتگو» مترجم، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹
- رزمجو، محسن: «پیک صلح»، زنده رود، شماره ۵۸، پاییز ۱۳۹۳
- رشنودزاده، بابک: «یاد مسعود فرزاد»، کتاب هفته، شماره ۲۶۱، ۵ شهریور ۱۳۸۴
- رضایی، پریسا: «کافکایی دیگر (گفتگو با حمید صدر)»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۷، اسفند ۱۳۸۱
- زرقانی، مهدی: «آمیزش شعر و داستان در آثار اخوان ثالث»، شعر، شماره ۲۷

- سلیمانی، بلقیس: «ادبیات سیاه»، ادبستان، شماره ۲۸
- سنجایی، مریم ب.: «در باره نمایشنامه مردم‌گریز»، ترجمه عباس امام، مترجم، شماره ۲۸، مشهد، زمستان ۱۳۷۷
- شهرنازدار، محسن: «نوگرا و خروش»، گوهان، شماره هفتم و هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۴
- صاحبان زند، سجاد: «از لایه‌های یک متن»، کتاب هفته، شماره ۱۷۰، ۱۶ اسفند ۱۳۸۲
- ضیائی، نصرت‌الله: «محمد قاضی مردی آزاده بود»، نگاه نو، شماره ۹۸، تابستان ۱۳۹۲
- طاهری، فرهاد: «به یاد حسن لاهوتی»، نگاه نو، شماره ۹۷، بهار ۱۳۹۲
- عابدی، احسان: «جنایتهای شوخی، مرگهای جدی»، روزنامه همشهری، شماره ۲۹۰۲، ۲۷ آبان ۱۳۸۱
- _____: «شعر، نقطه سر خط» (گزارشی از زندگی و آثار عمران صلاحی)، روزنامه همشهری، شماره ۲۸۸۸.
- ۱۳ آبان ۱۳۸۱
- عابدی، کامیار: «تقدیر مویه‌های جهان»، زنان، شماره ۷۸، مرداد ۱۳۸۰
- _____: «شاعر چشمها و دستها»، جهان کتاب، شماره ۹۹ و ۱۰۰، اردیبهشت ۱۳۷۹
- _____: «کارنامه شعر ۱۳۷۸»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۳۶، مهر ۱۳۷۹
- _____: «هراسهای یک رهنورد گمشده»، جهان کتاب، شماره ۱۵۹ - ۱۶۰، آذر ۱۳۸۱
- عبداللّهی، مهناز: «سالشمار صادق چوبک»، بایا، شماره ۴ و ۵، تیر و مرداد ۱۳۷۸
- علایی، مشیت: «هوشنگ ایرانی و سوررآلیسم ایرانی»، گوهان، شماره هفتم و هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۴
- علی‌نژاد، سیروس: «با نجف دریابندری درباره خودش، آدمها و روزگارش»، بخارا، شماره ۱۰۰، خرداد و تیر ۱۳۹۳
- فومنی، حامد: (گفتگو) روزنامه همشهری، شماره ۳۲۶۱، ۳ دی ۱۳۸۲
- فیروزیخ، پژمان: «پراکنده‌ها (۳)»، بخارا، شماره ۹۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲
- قاسمی، رضا: (گفتگو) «جولیس سزار، هملت، جان ماریا ولونته»، هفت، شماره ۲، خرداد ۱۳۸۲
- کاشانی کبیر، فرهاد: «روایت‌گر توفان، گفتگو با فرزانه کرم‌پور»، جشن کتاب، شماره ۴، بهمن ۱۳۸۲
- گل‌لایه‌زی، محمود: (گفتگو) «محمود! کلمات بوی قرمه‌سبزی می‌دهد!» (بخش ازل)، روزنامه بیان، شماره ۱۲۸.
- ۲۹ اردیبهشت ۱۳۷۹
- گیل‌هوا، «سالشمار زندگی و آثار اکبر رادی»، ضمیمه شماره ۵۷ یادگارنامه اکبر رادی، تیر ۱۳۷۹
- محدثی خراسانی، زهرا: «نزدیک‌تر، با امین‌پور و آثار منتشر شده‌اش»، شعر، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۱
- محمودی، حسن: «یک حکایت از شمیم بهار»، روزنامه شرق، شماره ۱۲۱، ۱ بهمن ۱۳۸۲
- ملک محمّدی، لیلا: «خالق ده نفر قزلباش»، روزنامه همشهری، شماره ۳۳۴۰، ۱۵ فروردین ۱۳۸۳
- مندنی‌پور، شهریار: آدینه، شماره ۱۳۲ و ۱۳۳، مهر ۱۳۷۷
- موسوی، ناهید: «جواد مجایی: در یک نگاه»، کارنامه، شماره ۲۸، تیر ۱۳۸۱
- موسوی گرم‌رودی، سید علی: (گفتگو) «شاعر خاستگاه نور»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۳، آبان ۱۳۸۱
- میرعابدینی، حسن: «داستان‌نویسی ایران در سال ۱۳۷۸»، بخارا، شماره ۲۰، مهر و آبان ۱۳۸۰
- نیمت، اگنش: «اهدا و جایزه شعر نوبل مجارستان به سیمین بهبهانی»، بخارا، شماره ۱۰۱، مرداد و شهریور ۱۳۹۳
- هاجر، محمد ابراهیم (مهار رشیدیان): «تنها بدون چهار دیوار»، کتاب هفته، شماره ۸۲، ۶ مهر ۱۳۸۱
- یزدانی خرّم، مهدی: «در بیداری خواب دیدن»، روزنامه همشهری، شماره ۲۷۲۵، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۱
- _____: «وجدان معذب نوشتن» (گزارشی از گفتگو با عبدالله کوثری)، روزنامه همشهری، شماره ۲۸۶۵، ۱۹ مهر ۱۳۸۱

یعقوبی، محمد: نمایشنامه‌نویس (یک پرونده)، صحنه، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۰

همچنین برخی از شماره‌های ماهنامه‌های آدینه، ادبیات داستانی، بیدار، پروین، زنان، کارنامه، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، نمایه، کلک، بخارا، کیهان فرهنگی، گلستانه، نافه، نشر دانش، نگاه نو، هفت، جهان کتاب، و...؛ و فصلنامه‌های زنده‌رود، شعر، صحنه، گوهران، مترجم، و... و هفته‌نامه کتاب هفته؛ و... و روزنامه‌های انتخاب، ایران، بیان، شرق، نشاط، همشهری، و...

منابع الکترونیک

بانک اطلاعاتی سایت خانه کتاب (ketab.ir)

بانک اطلاعاتی سایت کتابخانه ملی (opac.nlai.ir)

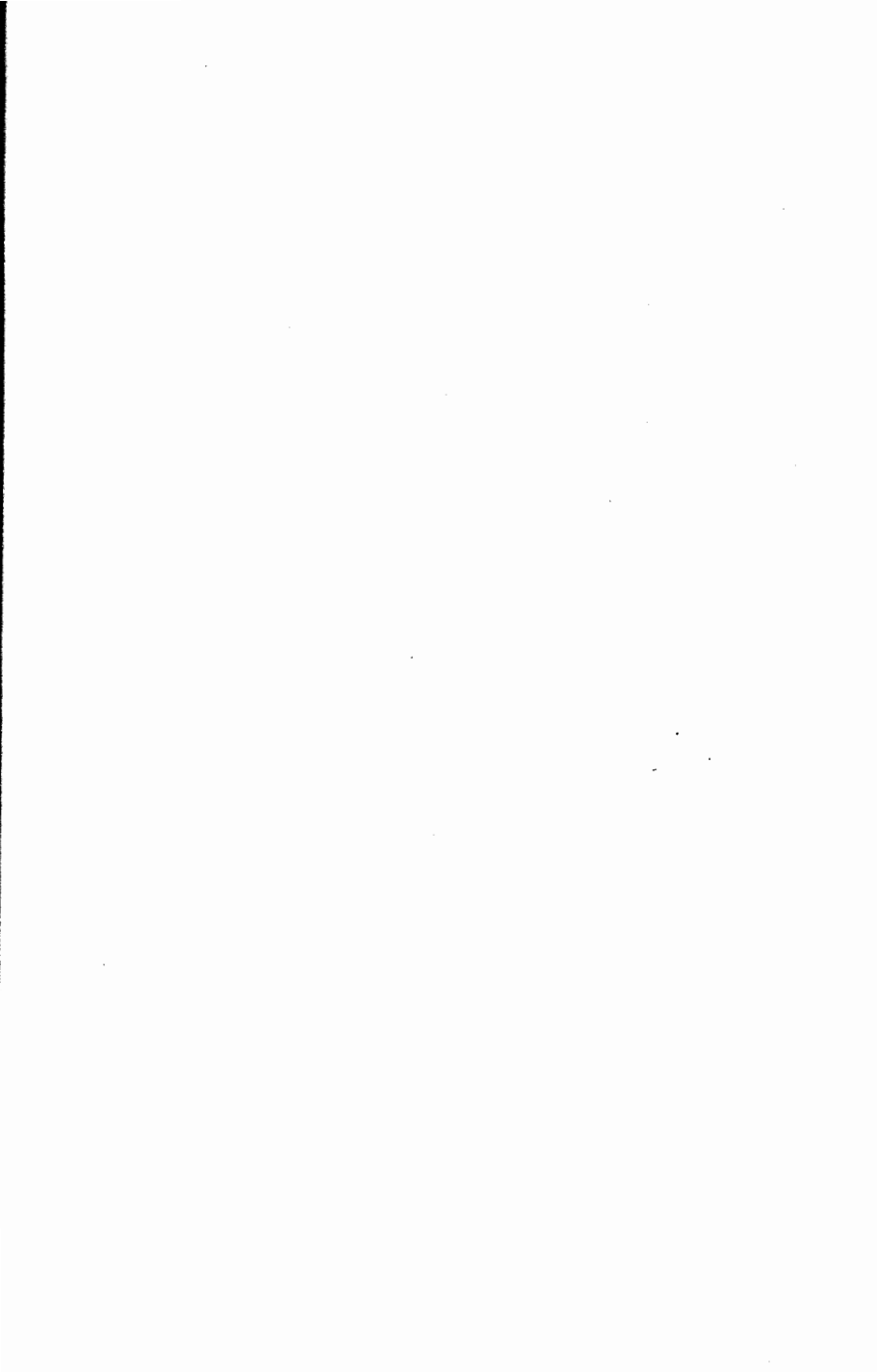
سایت ایران تئاتر (theatre.ir)

سایت سوره مهر (iricap.com)

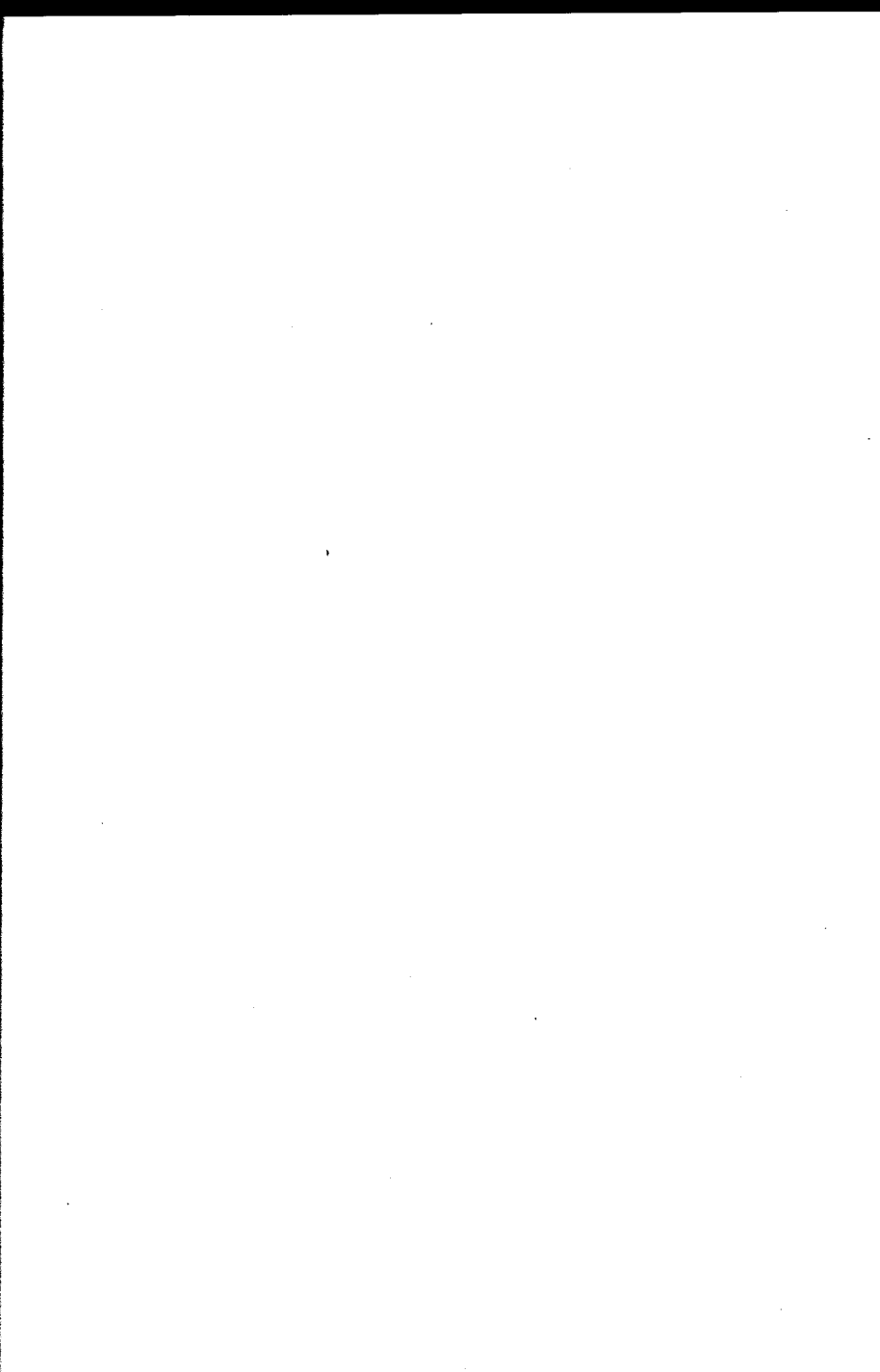
سایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی (persianacademy.ir)

سایت ویکی‌پدیا (wikipedia.org)

سایت‌های شخصی نویسندگان و شاعران و چند سایت ادبی



فرہنگ
ادبیات
فارسی
معاصر





آبجی خانم (نگارش: شهریور ۱۳۰۹؛ تهران)
داستان کوتاهی (حدود ۱۸۰۰ کلمه) از صادق هدایت، در مجموعه *زننده به گور*.

حکایت غذایهای روحی آبجی خانم دختر بزرگ و خانه‌مانده خانواده است که چون بر خلاف خواهر کوچکترش ماهرخ از زیبایی بهره‌ای ندارد، مورد بی‌اعتنایی مادر قرار گرفته است. آبجی خانم در جشن عروسی خواهرش شرکت نمی‌کند و نیمه‌های شب جسد او را در آب‌انبار خانه پیدا می‌کنند.

آبروی از دست رفته داستان کوتاهی (حدود ۱۳۰۰ کلمه) از جلال آل احمد، در مجموعه *از رنجی که می‌بریم*.

میرزا حسن کتاب‌فروش به محض اینکه در شهر بوی آشوب می‌شنود سراغ همسایه سقّط‌فروش هرازانی می‌رود و با التماس و زور او را وامی‌دارد که دگانش را ببندد و باوی به خانه برود. هرازانی که از سالها قبل در مبارزات مردمی پیش‌قدم بوده است، احساس می‌کند با این حرکت خود را ترسو نشان داده آبرویش را به خطر انداخته است. فردای آن روز، وقتی که پاسبانی از طرف حکومت نظامی او را به منظور اجتناب از اغتشاش جلب می‌کند خیالش آسوده می‌شود.

آبایی نام معلمی ترکمن بود که در اواسط دهه ۱۳۲۰ به ضرب گلولهٔ مأموران در گرگان کشته شد و به واسطهٔ شعری از احمد شاملو با عنوان «از زخم قلب آبایی» (سرودهٔ ۱۳۳۰) در مجموعه *هوای تازه* شهرت یافت.

نیروهای مبارز با رژیم شاه در گرگان قرار بود نمایشنامه‌ای را به صحنه ببرند ولی در شب اجرا فرماندار وقت دستور ممانعت از اجرای نمایش را صادر کرد. اعتراض به این دستور کار را به دخالت نیروهای مسلح کشاند و ضمن آن درگیری آبایی کشته شد.

شاملو در برخی از چاپهای هوای تازه به دلیل فشار سانسور نام آبایی را به «آمان جان» تغییر داد و او را از قهرمانان اساطیری افسانه‌های ترکمنی معرفی کرد.

در رمان *آتش بدون دود* شخصیتی به نام «آمان‌جان آبایی» یکی از سردمداران مبارزان ترکمن صحرا و در میان مردم آن دیار صاحب شهرت و احترامی بسزا است و سرانجام پس از سالها مبارزه با رژیم شاه در کنار عده‌ای از یاران خود به دست عمال رژیم کشته می‌شود. با توجه به اینکه آتش بدون دود رمانی مستندگونه است به احتمال قریب به یقین شعر شاملو به همین آمان‌جان آبایی اشاره دارد.

آب زندگی

داستان کوتاهی (حدود ۵۰۰۰ کلمه) از صادق هدایت، در مجموعه *زنده به گور* (چاپهای متأخر).

پس از یک قحطی، پینه دوز پیری سه پسرش را به جستجوی روزی روانه سرزمینهای دیگر می کند. دو برادر بزرگتر نقشه می کشند که احمدک برادر کوچکتر را از سر باز کنند. او را در غاری زندانی می کنند و پیراهنش را به خون کبوتر آغشته می سازند و برای پینه دوز می فرستند تا به او نشان بدهند احمدک را اگرگ دریده است.

حسنی قوزی، پسر ارشد به شهر کورها (کشور زرافشان) می رسد که آکنده از فلاکت و جهل است. کوری این مردمان به واسطه خاک مخلوط با طلای اسرارآمیز سرزمینشان است و همه چشم براه پیغمبری هستند که آب زندگی برایشان بیاورد و چشمانشان را شفا دهد. حسنی قوزی تظاهر می کند که همان منجی است و بدین ترتیب پول و قدرت به دست می آورد اما در این میان خودش هم کور می شود.

حبیبی کچل، پسر دوم به شهر کورها (کشور ماه تابان) می رسد که پادشاه آن به تازگی مرده است و طبق مرسوم برای تعیین جانشین بازی را به هوا می فرستند که روی سر او می نشیند و پادشاه می شود. بعد از به تخت نشستن، مردم کشور ماه تابان را و می دارد که تریاک کشت کنند و عرق دو آتشه بکشند تا به شهر کورها بفروشد. ولی در این میان خود نیز به کری مبتلا می شود.

و اما احمدک، پسر کوچکتر، موفق می شود خود را نجات دهد و به کشور همیشه باهار (= بهار) می رسد که آب جاری آن آب زندگی است. مردم با روی خوش از او استقبال می کنند لیکن فقاہت‌های خصمانه او علیه دو شهر دیگر سرانجام به جنگی میان آنها می انجامد. ابتدا جنگ مغلوبه می شود، اما از آنجا که اسلحه شهر

کورها و شهر کرها تاب سلاحهای فولادین کشور همیشه باهار را نمی آورد، قشونشان از هم می پاشد و مخصوصاً چون آب انبارهای آنها خراب می شود، افراد قشون مجبور می شوند از آب زندگی کشور همیشه باهار بیاشامند و همین باعث می شود چشم و گوششان باز شود و بر فرمانروایان و سران ارتش خود بشورند. سرانجام همه چیز به خوبی و خوشی برای کشور همیشه باهار و قهرمان آن پایان می یابد. احمدک به خانه باز می گردد و چشمهای پدرش را که از شدت گریه در فراق او کور شده است با آب زندگی معالجه می کند.

اول بار در ۱۳۲۳ در پاورقی روزنامه مردم به چاپ رسید و همزمان به طور مستقل (به صورت جزوه ای بدون ذکر تاریخ چاپ) نیز انتشار یافت.

آب و خاک (۱۳۸۴؛ نگارش: ۱۳۸۰)

رمانی (حدود ۴۰۰۰۰ کلمه) از جعفر مدّرس صادقی.

مکان و زمان وقوع: تهران؛ ۱۳۷۹.

تیمسار بهمن اسفندیار با وجود تمام هشدارهای دوستان داخل و خارج کشور بعد از بیست و یک سال اقامت در امریکا به وطن بازمی گردد و در خانه همقطار اعدام شده اش تیمسار جهانبخش، نزد همسر و دختران او بیتوته می کند.

بهمن در خانه جهانبخش خانواده ای بسیار مهربان می یابد و کم کم عشق سرکوفته ای که به مینو (زن جهانبخش) داشت، بیدار می شود و حتی به رغم داشتن همسر و فرزند، از او خواستگاری می کند.

مرد مشکوک همه فن حریفی به نام اسی که در همه جا دست دارد و در ضمن خواستگار لایلا (یکی از دو دختر مینو) نیز هست - هر چند که با سیمین (دختر دیگر) و حتی مینو هم رابطه داشته - به درخواست لایلا پاسپورت بهمن را که در بدو

متمول و مردم‌دار بوده و به وضعی فجیع توسط حامد میرزا مثله شده است. راوی به دقت تمام جزئیات را برای بازپرسها توضیح می‌دهد که همه حاکی از برائت اوست و از این نسبت نیز اظهار بی‌اطلاعی می‌کند.

در اواخر داستان، ناگهان لحن راوی تغییر می‌کند و این بار ضمن تشریح بلایی که بر سر معین‌الزعا یا آمده است، به قتل عصمت اعتراف می‌کند. معلوم می‌شود که او با هوشمندی تمام نقشه‌ای طرح کرده است تا به شازده نزدیک شود و آن دو را به قتل برساند و به وصیت‌نامه جَدش که خواهان قصاص از حامد میرزا و بازماندگانش بوده است عمل کند، اما فقط موفق به قتل عصمت شده و در این میان پدر و مادر و محبوب خود مهتاب را از دست داده است.

آبی، خاکستری، سیاه (۱۳۴۴)؛ نگارش: دی ۱۳۴۳ منظومه‌ای از حمید مصدق.

این منظومه زبان حال پُر درد و تمنای عاشقی است که معشوقش بر اثر کدورتی او را رها کرده است و اینک عاشق، بازگشتش را می‌طلبد.

این شعر بغایت عاطفی و روان و آهنگین چند سالی پس از انتشار شهرت یافت و رفته‌رفته محبوبیتی نزد جماعت شعرخوان و حتی عامه مردم پیدا کرد و سطوری از آن جنبه سیاسی به‌خود گرفت و ورد زبان مردم، و شعار دانشجویان شد: تو اگر بر خیزی / من اگر بر خیزم / همه بر می‌خیزند.

این منظومه بعداً با *در رهگذر باد*، کتاب دو منظومه را تشکیل داد و در ۱۳۶۹ با چند دفتر دیگر به مجموعه ... نارهایی ملحق شد.

آتابای، سیروس (متولد شهریور ۱۳۰۸؛ تهران) شاعر.

در هشت سالگی به تصمیم پدر عازم آلمان شد. در ۱۹۴۵ میلادی (= ۱۳۲۴) به ایران باز آمد اما مجدداً برای ادامه تحصیل به زوریخ رفت.

ورودش در فرودگاه ضبط شده است پس می‌گیرد اما به او توصیه می‌کند که هرچه زودتر از کشور خارج شود و او را متهم به جاسوسی نیز می‌کند. بهمن که سخت به اسی بدبین است با او درگیر می‌شود و با مشقت به سر او می‌گوید.

بعد از این درگیری بهمن عازم رفتن می‌شود و دیگر حرفی از خواستگاری و ماندن در ایران به میان نمی‌آورد و مینو را «بور شده» بر جای می‌گذارد.

همزمان، لیلا هم که تا به حال روی خوش به اسی نشان نمی‌داده، به رغم هشدارهای سیمین که یک بار از اسی حامله شده است، به ازدواج با او رضایت می‌دهد. اما اندکی پیش از آنکه ازدواج صورت گیرد، اسی بر اثر همان ضربه‌ای که از بهمن خورده سکنه مغزی می‌کند و می‌میرد.

آبی‌تر از گناه یا بر مدار هلال آن حکایت سنگین بار (۱۳۸۳) رمان

اعترافی کوتاه (حدود ۲۲۰۰۰ کلمه) از «محمد حسینی» (متولد ۱۳۵۰).

برنده سهمی از «جایزه مهرگان» (مهرگان ادب) و سهمی از «جایزه ادبی هوشنگ گلشیری».

مکان و زمان وقوع: تهران؛ معاصر. راوی در اقراریه خود می‌گوید کسی را نکشته است.

او نمونه‌خوان انتشارات است و برای کمک خرج خود به واسطه سرایداری به شازده معرفی می‌شود. شازده، نوه حامد میرزا فرزند محمد علی شاه است و با همسر خود عصمت در آپارتمانی زندگی می‌کند و راوی در روزهای معین برای شازده کتاب و بیشتر شعر می‌خواند. راوی به شهادت اعترافاتش جوانی ساده‌دل است که عشقی افلاطونی به عصمت پیدا می‌کند و عصمت می‌خواهد به واسطه وی از زیر زبان شازده بکشد که گنجهایش را کجا پنهان کرده است. بازپرسها ادعا می‌کنند که راوی از نوادگان معین‌الزعا یا است که در عهد خود مردی بسیار

مکان و زمان وقوع: تهران؛ نیمه اول دهه ۱۳۵۰. راوی داستان (کمال) از طریق فرهاد خبردار می‌شود که دوست مشترکشان مهدی (قهرمان داستان) از زندان آزاد شده است اما حالش آنقدر بد بوده که به بیمارستان منتقلش کرده‌اند. این خبر، ذهن کمال را به گذشته و ماجرای دستگیری مهدی بازمی‌گرداند.

چهار - پنج ماه قبل از آن، در اداره‌ای که مهدی در آن کار می‌کرد، اعلامیه‌ای علیه اعدامهای رژیم تکثیر می‌شود و به همین دلیل عده‌ای از جمله مهدی را دستگیر می‌کنند. علی‌خان، پدر مهدی با دوندگی فراوان و رشوه‌ای کلان قول آزادی پسرش را می‌گیرد اما اینک که مهدی را تحویلش داده‌اند، جز پیکری نیمه‌جان و مشرف به موت چیزی از او باقی نمانده است.

کمال و دیگر دوستان مهدی که همگی تحصیل‌کرده و شبه روشنفکرند، اندکی پس از رسیدن به بیمارستان خبر مرگ وی را می‌شنوند و سپس در حالی که هیچ اطلاعی از فعالیتهای احتمالی او نداشته‌اند، به تحسین او می‌پردازند و از بی‌عملی و انفعال خود اظهار بیزار می‌کنند و هر یک پیشنهادی برای گام نهادن در مسیر مبارزه می‌دهند. به موازات این تحرک و بیداری محفل دوستان، کم‌کم معلوم می‌شود که به‌رغم تصور ایشان، مهدی فعالیتهای مخفیانه‌ای داشته و تکثیر اعلامیه‌ها نیز کار او بوده است.

در پایان داستان، این جمع کوچک درمی‌یابند که نارضایتی اغلب اقشار ملت را در بر گرفته است و در این میان هر کس وظیفه دارد به قدر توان خود برای افزایش جنایتهای رژیم و سست کردن ارکان آن تلاش کند. و آنان نیز چنین می‌کنند.

آتش بدون دود (۱۳۵۹ تا ۱۳۷۱؛ هفت جلد؛

بازنویسی سه کتاب نخست: مهر ۱۳۶۰)

رمانی (حدود ۳۶۰ ۰۰۰ کلمه) از نادر ابراهیمی. برنده لوح زرین و دیپلم افتخار «جایزه بیست سال ادبیات داستانی انقلاب اسلامی».

نخستین اشعارش را در زوربخ در ۱۹۴۸ (= ۱۳۲۷) به چاپ رساند. در ۱۹۵۲ (= ۱۳۳۱) در دانشگاه مونیخ به تحصیل در رشته ادبیات آلمانی پرداخت. از اوایل دهه ۱۹۶۰ متناوباً در تهران و لندن زندگی کرد. در همین سالها به گروه طوفان (۱) پیوست و با همکاری آنان گزیده‌ای از اشعار خود را به فارسی برگرداند و با نام وادی شاپوکها منتشر ساخت (۱۳۴۴). در ۱۹۸۰ (= ۱۳۵۸) ناگزیر از انگلستان تقاضای پناهندگی سیاسی کرد. در ۱۹۸۳ (= ۱۳۶۱) مجدداً به مونیخ بازگشت. در ۱۹۹۳ (= ۱۳۷۱) به عضویت آکادمی آلمانی زبان و شعر درآمد. تاکنون دو جایزه ادبی در آلمان دریافت داشته و اشعاری از حافظ و عیبی زاکانی را هم به آلمانی ترجمه کرده است.

گرچه همه شعرهای او به زبان آلمانی است ترجمه فارسی گزیده اشعارش او را شاعری اهل ایجاز، و مشاهده گری دقیق معرّفی می‌کند.

آتش داستان کوتاهی (حدود ۳۲۰۰ کلمه) از

غلامحسین ساعدی، در مجموعه *دندیل*.

سه برادر با اصرار و التماس فراوان به پزشک، برادر بزرگشان را که تصادف کرده و تحت عمل جراحی قرار گرفته است، از بیمارستان به خانه می‌آورند. عده زیادی به همین مناسبت به خانه آنها می‌ریزند. نیمه‌های شب انبار چوب کنار خانه آتش می‌گیرد و برادر بیمار را گرفتار می‌کند اما هیچ کس - از جمله سه برادر - حاضر نمی‌شود خود را به خطر بیندازد تا آنکه سرانجام سه بازیگر مست تماشاخانه که از آنجا می‌گذرند خود را به آتش می‌زنند. در همین اثناء صدای بوق وزنگ ماشینهای آتش‌نشانی از دل آتش شنیده می‌شود.

آتش از آتش (۱۳۶۳؛ نگارش: فروردین

۱۳۶۳) رمانی (حدود ۲۴۰۰۰ کلمه) از

جمال میرصادقی (۱).

چشم‌پوشی از کدخدایی، در گوشه عزلت بازگشت پسر را انتظار می‌کشد.

یاشولی آیدین (ملای ده) که به سبب تحقیر و توهینهای گالان همواره کینه‌ای لایزال نسبت به خانواده او داشته و اینک با نوید طیب شدن آلتی ضربه مهلک دیگری از این خاندان خورده است، پس از کناره‌گیری آقاولر سعی می‌کند دودمان اوجاها را از بیخ و بن براندازد. به تدریج ضدیت عمومی با اوجاها علنی‌تر و خشن‌تر می‌شود و آت‌میش (کوچکترین فرزند آقاولر) که جوانی کم‌تجربه و پُر دل است، چند نفر را به سبب این ضدیت به خاک و خون می‌کشد.

از طرف دیگر، آقشام‌گلن برادر کوچک آقاولر که خبرهای نگران‌کننده‌ای از یموت شنیده است، پسرش آلا را با پیغامی مودت‌آمیز و حمایت‌گرانه پنهانی روانه یموت می‌کند و از پالاز، پسر بزرگ آقاولر پاسخ می‌طلبد. آت‌میش برای رساندن جواب پالاز به گومیشان (مرکز گوکلان) می‌رود و ضمن همین سفر دل به باغداگل (دختر آقشام‌گلن) می‌بازد. این عشق سبب می‌شود که جوان تندخو و جنگاور برای اولین بار به زندگی آرام بیندیشد و تصمیم به ترک آدم‌کشی بگیرد.

مصادف با همین روزها، تاری‌ساخلا که به تازگی کدخدایی اینچه‌برون (مرکز یموت) را پذیرفته است به ناگزیر رودرروی پسرش آرپاچی که با پذیرفتن این مقام مخالف است قرار می‌گیرد. آرپاچی که داماد آقاولر هم هست سرانجام پدرش را جلو چادر کدخدایی به خون می‌کشد.

متعاقب این واقعه، پیکی خبر می‌آورد که آلتی پس از چند سال به صحرا بازگشته است و آقاولر، آت‌میش را مأمور حفظ جان آلتی تا رسیدن به اینچه‌برون می‌کند و در این مأموریت آت‌میش ناخواسته دست به قتلگ می‌برد.

آلتی در پناه محافظانی مخفی مسیر پرخطر خود

مکان و زمان وقوع: ترکمن صحرا و تهران؛ اواسط دهه ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۹ و سپس ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۴.

یموت و گوکلان، دو قبیله بزرگ ترکمن را شکافی عمیق از دیرباز به ستیز واداشته است، شکافی که به‌رغم افسانه‌ها ریشه در مسأله آب دارد.

گالان اوجا، شجاع‌ترین و جنگاورترین مرد یموت، عاشق سولماز اوچی دختر بیوک اوچی (بزرگ قبیله گوکلان) می‌شود و در یک شبیخون او را جلو چشمان اعضای خانواده‌اش می‌رباید. طی این شبیخون دو برادر گالان اوجا کشته می‌شوند.

با وجود ازدواج گالان و سولماز، کشمکشهای دو قبیله کما کمان ادامه می‌یابد. اما شخصیت قوی سولماز و به دنیا آمدن دو فرزند پیاپی و سرانجام کوچ گالان همراه با خانواده و عده‌ای از یاران جنگجو به کنار درخت مقدس و پدید آمدن حس سازندگی در او، همگی از خشونت و قساوت این کشمکشها می‌کاهد.

پس از گذشت چند سال آرام، وقایعی به‌ظاهر کم‌اهمیت، خاکستر نشسته بر آتش کینه گالان را کنار می‌زند و در جنگی خونین بسیاری از یاران دیرین گالان و سرانجام خود او قربانی می‌شوند. سولماز به خونخواهی برمی‌خیزد و اگرچه قاتلین شوهر و از جمله برادرش را به سزای عمل می‌رساند ولی خود نیز قربانی این انتقام می‌شود. حدود نیم قرن بعد، دهکده‌ای که گالان اوجا بنیاد نهاده است و اینک کدخدایی آن را پسر بزرگش آق اویلر بر عهده دارد در محاصره بیماری مرگ‌آوری قرار می‌گیرد.

آق اویلر که از سالها قبل هم و غم خود را مصروف اتحاد و ترقی صحرا و جلوگیری از برادرکشی کرده است، اینک با هجوم بیماری، و به‌رغم تهدید و مخالفت شدید بزرگان، پسر میانی‌اش آلتی را برای تحصیل طب به پایتخت می‌فرستد و خود نیز پس از بخشیدن دارایی و

اتحاد دعوت می‌کنند و این همه در شرایطی است که جنگ دوم جهانی در گرفته است. مردانی که سالیان سال، پنهانی علیه رضاخان می‌جنگیدند اینک فرصتی برای ظهور می‌یابند.

در این میانه کدخدایی اینچه‌برون هم به پالاز برادر بزرگ آلتی می‌رسد و ملاّ قلیچ بلغای، آخوندی که به دعوت پالاز به اینچه‌برون می‌آید، مردی متین و ظالم‌ستیز با تحصیلات بسیار درخشان است و از همان اوّلین برخورد با آلتی صمیمیت و احترامی متقابل میانشان حاکم می‌گردد.

آلتی که تمام انرژی و وقت خود را وقف تحقق اهدافش کرده است، مارال را نیز با خود هم‌رأی یا در واقع همکار می‌کند و زن بزودی در مقام ماما به رسیدگی به زنانی می‌پردازد که از حکیم مرد پرهیز دارند.

در این میان یکی از عمده‌ترین نگرانی‌های آلتی، دستیار جوانش یا شایر محمّدی است که به‌رغم استعداد ذاتی و علاقه مفرطش به استاد، کینه و نفرت او از اطرافیان و خصوصاً ملایان - که ریشه در خاطره‌ای از یاشولی آیدین دارد - خبر از سرنوشتی غم‌انگیز و شاید وحشتناک برای صاحب این نگاه می‌دهد.

آلتی که پیشتر عضویت در حزب توده و یا همکاری با آن را رد کرده و خود به فکر تأسیس حزب یا سازمانی در صحرا افتاده است، اینک پیش‌نویس مرامنامه این تشکیلات را آماده کرده و به بحث گذاشته است. از سوی دیگر، آلتی و مارال به توصیه و یاری یکی از رفقا به نام علی محمّدی تصمیم می‌گیرند برای تحصیل در دانشگاه و اخذ مدرک رسمی به تهران بروند و در حالی که فرزندان آیناز را نزد مادر بزرگش گذاشته‌اند، وقت خود را یکسر صرف تحصیل و البته فعالیت‌های سیاسی می‌کنند.

چندی بعد تلگرامی از ملاّ قلیچ، آلتی را برای امری مهم به صحرا می‌خواند. معلوم می‌شود که

را به سلامت طی می‌کند و در فضایی آکنده از خصوصیت وارد زادگاه خود می‌شود.

آق اوایل با تمام امیدی که به آمدن آلتی داشته است جز چند روزی که آن‌هم نشان از فاجعه‌ای قریب‌الوقوع دارد زنده نمی‌ماند و همزمان با مرگ او آت‌میش نیز به سرنوشتی همچون گالان دچار می‌شود و در همان محلی که پدر بزرگش کشته شده است هدف گلوله‌های کین‌آلود قرار می‌گیرد.

آلتی بزودی دست به کار می‌شود و بساط طبابتش را در کنار درخت مقدّس پهن می‌کند که همچون نماد خرافات، تکیه‌گاه بداندیشان و کینه‌توزان به رهبری یاشولی آیدین است.

یاشولی آیدین که منافعتش سخت به خطر افتاده است بی‌پروا تر از پیش به مقابله برمی‌خیزد و حتی با تهدید به مرگ، مردم را از مراجعه به حکیم آلتی منع می‌کند.

آلتی سرانجام به این نتیجه می‌رسد که چاره‌ای جز به کارگیری زیرکی و ریاکاری ندارد؛ از این رو ناگهان اعلام می‌کند که درخت مقدّس در خواب از او خواسته که بیماران را شفا دهد و وی نیز با طلب بخشایش از گناهان و بی‌حرمتهای گذشته، تصمیم گرفته است به جبران مافات، نوکری درخت مقدّس را بر عهده بگیرد و واسطه شفا ی مردم باشد. این حيله کارگر می‌افتد اما یاران آلتی او را به‌خاطر این رفتار ریاکارانه و مردم‌فریب شمت می‌کنند ولی او با استدلالهای خود، آنان را به پذیرش این روش و حتی همکاری و امی‌دارد و سرانجام با پیشنهاد درختکاری در اطراف درخت مقدّس و از میان برداشتن غیرمستقیم آن، کار یاشولی آیدین برای همیشه یکسر می‌شود.

برنامه‌های آلتی باز هم شتاب بیشتری به خود می‌گیرد. در شب عروسی او با مارال، مردم یموت و گوکلان بر سر سفره‌ای بسیار وسیع، دست در دست هم می‌گذارند و خرده قبایل دیگر را هم به

دردناک به شمار می‌آید اما اخبار بد و مخصوصاً شماتهایی که بر آلتی باریدن می‌گیرد روح سنگ‌نمای این مرد صحرا را بیش از پیش می‌خراشد. اغلب این شماتهای ارتباط با مرگ یا شا است و همگی بر انتساب اتهام منیت و ریاکاری به آلتی دلالت دارد. و این در حالی است که آلتی از شهرتی کم‌نظیر و محبوبیتی روزافزون برخوردار شده است و با مردان افسانه‌ای صحرا کوس برابری می‌زند.

با به قدرت رسیدن دولت قوام، بسیاری از سازمانهای صحرا و از جمله «سازمان وحدت مردم صحرا» غیرقانونی اعلام می‌گردد. چندی بعد آلتی در تظاهرات دانشجویی دستگیر می‌شود اما به سبب نفوذی که با اتکاء به طبابت معجزه‌آسایش در میان عده‌ای از صاحب‌منصبان پیدا کرده است او را آزاد می‌کنند.

پس از ترور رزم‌آرا آلتی بار دیگر دستگیر می‌شود و این بار مدتی در زندان می‌ماند اما دادگاه نهایتاً رأی به تعلیق پرونده می‌دهد و او با قید ضمانت آزاد می‌شود.

پس از آنکه مارال و آلتی هر دو با رتبه‌های نخست فارغ‌التحصیل می‌شوند، علی‌محمدی باز آن دو را به ادامه تحصیلات و گرفتن تخصص در خارج از کشور تشویق می‌کند. آلتی و مارال به تخصصهای مورد نظر و همچنین به کرسیهای تدریس در دانشگاه سوربن دست می‌یابند و حتی آوازه خود را از محدوده فرانسه به کل اروپا گسترش می‌دهند.

در پاییز ۱۳۳۷، آلتی و مارال پس از سالها دوری از وطن و مراجعتهای پنهانی و گهگاهی تصمیم می‌گیرند از مسیر قانونی و عادی وارد ایران شوند.

اکنون دیگر آن دو عملاً خط فکری مشخصی را دنبال نمی‌کنند. مارال مخصوصاً در پیدایی بسیاری از گروههای کوچک مسلح نقش مؤثری ایفا می‌کند و آلتی با کوله‌باری بر دوش به

یارمحمد نقشینه‌بند - که یکی از متمولان نامدار صحرا و روحانی صاحب‌نفوذی در دستگاه حکومتی است - با توسل به ملاقلیچ دکتر آلتی را به بالین دختر بیمارش کبیر طلبیده و سوگند یاد کرده است که اگر آلتی بارضای خودتن بدین کار بدهد، وی در ازای این خدمت، دو بار او را از پای چوبه دار و یا حتی از بالای آن به سلامت برگرداند.

آلتی پس از معاینه‌ای دقیق، دستورهایی می‌دهد و ضمن تأیید آنکه بابک تیردو نشان زده باشد، یا شا شیرمحمدی را به پرستاری از دختر می‌گمارد تا هم یا شا از افکار مخرب و خطرات پیرامونش محفوظ بماند و هم بهترین پرستار را برای بهبود کبیر برگزیده باشد.

در این فاصله «سازمان وحدت مردم صحرا» شکل گرفته است و بی‌حضور آلتی، به رهبری عده‌ای از جوانان هرمزم او اداره می‌شود. آلتی در سفر بعدی به صحرا، کبیر را سالم و تندرست می‌یابد اما در عوض یا شا را تکیده و آب شده می‌بیند و تأثیر عشقی سرکوب شده را در جوان یاغی به وضوح مشاهده می‌کند.

مدتی بعد، فاجعه‌ای که نباید، اتفاق می‌افتد و خبر می‌رسد که یا شا یارمحمد نقشینه‌بند را کشته و دستگیر شده است. اما آلتی در «گنبد» می‌فهمد که ماجرا به همین سادگی نبوده و یا شا پس از کشتن اولین قربانی به سراغ یک افسر شهربانی رفته و او را نیز هدف گلوله قرار داده و بالاخره وقتی می‌خواسته دکتر خدر اقلی (یکی از باران سیاسی آلتی که بعدها تغییر چهره می‌دهد) را بکشد دستگیر شده است.

آلتی تمام نیروی خود را برای نجات یا شا به کار می‌گیرد و به هر دستاویزی متوسل می‌گردد اما سرانجام این جوان خیره‌سر که حتی بازجویان و محاکمه‌گزارش را به شدت عمل تشویق می‌کند، اعدام می‌شود.

این واقعه اگرچه به تنهایی برای آلتی داغی بس

برای فراری دادن آلتی در مسیر برگشت تدارک دیده‌اند با کمک عوامل نفوذی در دستگاه با موفقیت به اجرا می‌گذارند. از سوی دیگر، مارال نیز با کمک یارانی که در خارج از زندان دارد موفق به فرار می‌شود و با نامی مستعار ماهها در آبادان به‌طور آشکار به طبابت می‌پردازد.

آلتی از آن پس همه‌جا هست و هیچ‌جا نیست: ایران؛ فرانسه؛ عراق. بارها به عملیات مسلحانه و گاه انتقامجویانه دست می‌زند و مذهب با نامی مستعار در تمام مناطق سنی‌نشین مجلس و عظمی و خطابه برگزار می‌کند. طی همین دوران، آلتی سلامت خود را بیش از پیش در مخاطره می‌بیند و مرگ و فرزندش نیز مزید بر علت می‌گردد. او روز به روز خسته‌تر و مرگ‌خواه‌تر می‌شود تا آنکه سرانجام به دست مأموران شهربانی می‌افتد و مطابق دستور درجا اعدامش می‌کنند.

پس از این واقعه، مارال نیز که مذهب از آلتی دور بوده است، به یکباره درهم می‌شکند و تنها برای اجرای وصیت شوهرش مبنی بر ادامه مبارزه، نقش اصلی در یک عملیات سرقت از بانک را به عهده می‌گیرد و در همین عملیات از پای درمی‌آید.

*

این رمان مستندگونه که بر اساس مدارک و شواهد تاریخی شکل گرفته است، خصوصاً از آغاز جلد چهارم، بیش از پیش جنبه‌ای سیاسی - تاریخی به خود می‌گیرد و با واقعیتهای شخصیت‌های واقعی آمیخته می‌شود - هرچند که روند اسطوره‌سازی و دخل و تصرف در شخصیت‌ها، کماکان ادامه می‌یابد.

سه کتاب نخستین این رمان، در واقع بازنویسی بخش‌های آشفته و بسیار خلاصه‌ای از طرح اولیه نویسنده با نام «آقای پلرها» است که در ۱۳۵۲ با عنوان درخت مقنی انتشار یافت و سریال تلویزیونی «آتش بدون دود» بر اساس آن ساخته شد.

دورترین و محروم‌ترین روستاهای مملکت می‌رود تا ضمن درمان بیماران، خود از نزدیک شاهد فقر توصیف ناشدنی و فلاکتهای توده مردم باشد.

در ۱۳۴۰ آلتی دستگیر می‌شود و اندکی بعد مارال هم به زندان می‌افتد. آن دو بدون محاکمه در زندان می‌مانند تا آنکه با روی کار آمدن دولت امینی، به نشانه حسن نیت دولت جدید آزاد می‌شوند؛ اما این حسن نیت که در کشور با نتیجه‌ای معکوس مواجه می‌گردد، بزودی جای خود را به خشونت می‌سپارد و سه روز پس از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ آلتی و مارال بار دیگر به زندان می‌افتند. این دوره زندان که بدون محاکمه تا ۱۳۴۶ به طول می‌انجامد، با اخراج هر دو از دانشگاه و مراکز دولتی همراه می‌گردد.

چندی بعد، آلتی با وجود اطلاع از اینکه تحت تعقیب ساواک است برای دریافت و انتقال محموله اسلحه‌ای که دخترش برای اهداف انقلابی یک گروه مذهبی درخواست کرده است به صحرا می‌رود. در بین راه درگیری خونینی بین محافظان آلتی و مأموران ساواک روی می‌دهد که اگرچه با قلع و قمع کامل ساواکیها به پایان می‌رسد، به دستگیری توأم با درگیری آلتی در تهران - پس از تحویل محموله - منجر می‌گردد. و این ظاهراً پایان خط است. او آشکارا عده‌ای را کشته است. در این فاصله مارال نیز به دام مأموران می‌افتد.

آلتی در دادگاه به دوست و هفت سال زندان با اعمال شاقه و چهار بار حبس ابد با اعمال شاقه و چهار بار اعدام محکوم می‌شود و مارال به حبس ابد. شاه دستور می‌دهد آلتی را پیش از اعدام به حضور او ببرند و او نیز می‌پذیرد اما این ملاقات مسأله‌ای را حل نمی‌کند و شاه شخصاً اجرای حکم را تأیید می‌کند. در بازگشت از این ملاقات، چند گروه مسلح برنامه مشترکی را که